

Research
Article

A Sociological Exploration of the Impact of Individual and Social Characteristics on Substance-Related Crimes in Lorestan: Integrating Contemporary Theories

Hasanreza Yosoevand¹

Received: 2025/03/10

Accepted: 2025/06/30

Abstract

Objective: This study investigated the effects of gender, education, occupation, age, and local/non-local status on the type of substance-related crime (addiction, trafficking, and retail distribution) in Lorestan Province. **Method:** Data were extracted from 91,749 arrested individuals from 2017 to 2021 and analyzed using multinomial logistic regression in SPSS-26. **Results:** The results showed that men, individuals with low education, employed people, and the 25–39 age group were more likely to be traffickers or retail distributors than being substance dependent. Local/non-local status, however, did not have a significant effect. In a regional analysis, Khorramabad and Borujerd identified as major centers for substance-related crimes, while Chegeni and Romeshkan were identified as low-risk areas. **Conclusion:** The findings align with theories of gender and power, social capital, and the life-course perspective. Recommendations include expanding educational programs, improving employment conditions, supporting high-risk groups, and monitoring transit routes. This research emphasizes the complexity of individual, social, and geographic factors in substance-related crimes and provides a framework for region-specific policymaking.

Keywords: Substance-related crimes, Lorestan, Social capital, Gender, Relative deprivation

1. Assistant Professor, Department of Sociology, Payam-e-Noor University, Tehran, Iran.
Email: yosoevand@pnu.ac.ir

کاوشی جامعه‌شناختی در تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر جرائم مواد مخدر در لرستان: تلفیقی از نظریه‌های معاصر

حسن رضا یوسفوند^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

چکیده

هدف: بررسی اثر متغیرهای جنسیت، تحصیلات، شغل، سن و بومی/غیر بومی بودن بر نوع جرم (اعتیاد، قاچاق، و خرده‌فروشی) در استان لرستان انجام شد. **روش:** داده‌ها از ۹۱۷۴۹ فرد دستگیر شده (۱۳۹۶-۱۴۰۰) استخراج شدند و با استفاده از رگرسیون لجستیک چندحالتی در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که مردان، افراد با تحصیلات پایین، شاغلان و گروه سنی ۲۵-۳۹ سال احتمال بیشتری برای قاچاقچی یا خرده‌فروش بودن نسبت به وابسته به مواد بودن داشتند، درحالی‌که بومی/غیر بومی بودن اثر معنی‌داری نداشت. در تحلیل منطقه‌ای، خرم‌آباد و بروجرد را به عنوان مراکز اصلی جرائم و چگنی و رومشکان را به عنوان مناطق کم‌خطر شناسایی شدند. **نتیجه‌گیری:** نتایج با نظریه‌های جنسیت و قدرت، سرمایه اجتماعی و چرخه زندگی همخوانی دارند. پیشنهادات شامل گسترش برنامه‌های آموزشی، بهبود شرایط شغلی، حمایت از گروه‌های پرخطر و نظارت بر مسیرهای ترانزیت است. این پژوهش بر پیچیدگی عوامل فردی، اجتماعی و جغرافیایی در جرائم تأکید دارد و چارچوبی برای سیاست‌گذاری‌های منطقه‌محور ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: جرائم مواد مخدر، لرستان، سرمایه اجتماعی، جنسیت، محرومیت نسبی

۱. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور تهران، ایران. پست الکترونیک: yosofvand@pnu.ac.ir

مقدمه

جرائم مرتبط با مواد مخدر، شامل اعتیاد، قاچاق و خرده‌فروشی از جمله معضلات اجتماعی پیچیده در ایران هستند که اثرات مخربی بر سلامت عمومی، امنیت اجتماعی و ثبات اقتصادی دارند (عشایری و همکاران، ۱۴۰۳). این جرائم نه تنها به عنوان چالشی فردی، بلکه به عنوان پدیده اجتماعی چندوجهی شناخته می‌شوند که متأثر از عوامل متعدد فردی و اجتماعی مانند جنسیت، تحصیلات، شغل، سن و بومی/غیربومی بودن قرار دارند (باقری و همکاران، ۱۳۸۹). در سطح خرد، ویژگی‌های فردی مانند جنسیت و سن با توجه به نقش‌های اجتماعی، انتظارات فرهنگی و مراحل مختلف زندگی بر نوع و میزان درگیری در این جرائم اثر می‌گذارند (دهقانی، ۱۴۰۰). همچنین، تروما و تجربیات نامطلوب کودکی به عنوان عوامل فردی کلیدی بر گرایش افراد به جرایم مرتبط با مواد مخدر تأثیر دارند و آگاهی فزاینده‌ای از این عوامل در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مواد مخدر ایجاد شده است (باتسون^۱ و همکاران، ۲۰۲۰؛ گیلسپی-اسمیت^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). در سطح کلان، ساختارهای اجتماعی نظیر بیکاری، فقر و محرومیت نسبی با کاهش سرمایه اجتماعی زمینه‌ساز گرایش افراد به رفتارهای انحرافی می‌شوند (نیازی و همکاران، ۱۴۰۰). در این راستا، پژوهش انجام شده توسط بابایی‌فرد و شاهمیرزایی (۱۳۹۲) نشان داده است که بین متغیرهای اجتماعی و فردی مانند جنسیت، شغل، محل سکونت، درآمد، تحصیلات، شرایط نابهنجار اجتماعی، ارتباطات خانوادگی ضعیف، دوست‌یابی نادرست و عدم موفقیت اجتماعی، با اعتیاد به مواد مخدر رابطه معنادار وجود دارد. همچنین، تحلیل‌های چندمتغیره این پژوهش مشخص کرده‌اند که دو عامل دوست‌یابی نادرست و ارتباطات خانوادگی ضعیف به طور مستقیم و مؤثر بر اعتیاد به مواد مخدر تأثیر می‌گذارند. نتایج این پژوهش بر اهمیت توجه به بسترهای اجتماعی و روابط میان‌فردی در پیشگیری و کنترل اعتیاد تأکید دارند.

استان لرستان با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی متمایز، بستری منحصر به فرد برای مطالعه این جرائم فراهم می‌کند. نرخ بیکاری زیاد (حدود ۱۵ درصد در سال ۱۴۰۰)،

1. Bateson

2. Gillespie-Smith

محرومیت‌های اقتصادی در مناطقی همچون چگنی، رومشکان و کوه‌دشت در استان لرستان، همراه با موقعیت جغرافیایی این استان که آن را در مسیر گذر و ترانزیت مواد مخدر قرار داده است، احتمال افزایش قاچاق و مصرف مواد را افزایش داده است. این شرایط با نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در جوامع دیگر نیز همخوانی دارد، جایی که جرم‌انگاری نامتناسب گروه‌های محروم و اقلیت‌ها به عنوان یکی از عوامل کلیدی در جرایم مواد مخدر شناخته شده است (شاینر^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ کورام^۲، ۲۰۱۹). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مداخلات کیفری مانند دستگیری‌های مرتبط با مواد مخدر می‌توانند پیامدهای ناخواسته‌ای مانند افزایش نرخ ورود مواد مخدر در جوامع محلی و مناطق نزدیک به لحاظ جغرافیایی یا اجتماعی داشته باشند. این اثرات به دلیل اختلال در شبکه‌های حمایتی افراد وابسته به مواد و ترس از دستگیری مانع از دسترسی افراد به خدمات کاهش آسیب یا مراقبت‌های بهداشتی می‌شوند. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که بیش از نیمی از زندانیان استان لرستان را افراد وابسته به مواد تشکیل می‌دهند که یا مستقیماً به دلیل جرایم مرتبط با مواد مخدر محکوم شده‌اند یا ارتکاب جرم آنان ناشی از اعتیاد بوده است (نامداریان و جانی‌پور رباطی، ۱۳۹۹). از سوی دیگر، بر پایه پیمایش خانوار در لرستان، این استان یکی از مناطق با شیوع بالای مصرف مواد مخدر (بالا تر از ۳ درصد) به شمار می‌رود که در میان آن‌ها تریاک بالاترین میزان مصرف را داشته و پس از آن شیره تریاک بیشترین ماده مصرفی گزارش شده است (روشن‌پژوه و همکاران، ۱۳۹۸). پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که بیکاری و فقر، به ویژه در مناطق روستایی لرستان، افراد را به سمت فعالیت‌هایی مانند قاچاق و خرده‌فروشی مواد مخدر سوق می‌دهد (گودرزی و اله‌دادی، ۱۴۰۳). همچنین، تحصیلات کم و فشارهای اقتصادی، به ویژه در گروه سنی ۲۵-۳۹ سال، خطر گرایش به اعتیاد و سایر جرائم مرتبط را تشدید می‌کند (صدراقت و همکاران، ۱۴۰۳). با این حال، با توجه به ساختارهای خانوادگی قبیله‌ای، الگوهای شغلی ناپایدار و نقش‌های جنسیتی سنتی، به تعامل این عوامل در بستر فرهنگی و اجتماعی لرستان، کمتر توجه شده است.

مطالعات پیشین در ایران عمدتاً بر جنبه‌های کلی جرائم مواد مخدر متمرکز بوده‌اند و کمتر به تحلیل‌های محلی در مناطقی مانند لرستان پرداخته‌اند. برای مثال، نیازی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که محرومیت اقتصادی و کاهش سرمایه اجتماعی در مناطق محروم، افراد را به سمت رفتارهای انحرافی هدایت می‌کند. به طور مشابه، صداقت و همکاران (۱۴۰۳) بر نقش عوامل فردی مانند تحصیلات کم و بیکاری در افزایش جرائم مرتبط با مواد مخدر تأکید کرده‌اند. با این حال، این مطالعات به طور خاص به ویژگی‌های بومی لرستان مانند نرخ زیاد بیکاری، ساختارهای خانوادگی مبتنی بر قوم‌گرایی و تأثیر مسیرهای ترانزیت داخلی مواد مخدر توجه کافی نداشته‌اند. در سطح جهانی، توجه فزاینده‌ای به آسیب‌پذیری‌های فردی و اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مواد مخدر دیده می‌شود که بر شناسایی گروه‌های در معرض خطر و حمایت از آنها تأکید دارد (براون و وینکاپ^۱، ۲۰۲۰؛ آسکوئیث^۲ و همکاران، ۲۰۱۷؛ فیرمین^۳، ۲۰۲۰). این شکاف تحقیقاتی ضرورت بررسی متمرکز بر عوامل شکل‌دهنده جرائم مواد مخدر در این منطقه را برجسته می‌کند.

از منظر نظری، پژوهش حاضر از تلفیق پنج نظریه معاصر جامعه‌شناسی بهره می‌گیرد: نظریه سرمایه اجتماعی لین^۴ (۲۰۰۲)، نظریه محرومیت نسبی گور^۵ (۲۰۱۱)، نظریه جنسیت و قدرت کانل^۶ (۲۰۱۳)، نظریه چرخه زندگی المدر^۷ (۱۹۹۸) و نظریه جهانی شدن و جرم آس^۸ (۲۰۱۳). نظریه سرمایه اجتماعی لین (۲۰۰۲) بر نقش شبکه‌های اجتماعی، اعتماد و منابع اقتصادی در پیشگیری از انحراف تأکید دارد. در لرستان، نرخ بیکاری زیاد و تحصیلات کم (۶۶/۱ درصد افراد با تحصیلات دیپلم و کمتر) نشان‌دهنده محدودیت دسترسی به سرمایه اجتماعی است که افراد را به سمت فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق و خرده‌فروشی هدایت می‌کند. نظریه محرومیت نسبی گور (۲۰۱۱) بیان می‌کند که ناکامی

1. Brown & Wincup
2. Asquith
3. Firmin
4. Lin's social capital theory
5. Gurr's theory of relative deprivation

6. Connell's theory of gender and power
7. Elder's life cycle theory
8. Aas's theory of globalization and crime

ناشی از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، افراد را به رفتارهای انحرافی سوق می‌دهد.. در مناطق محروم لرستان مانند چگنی و رومشکان، این ناکامی به اعتیاد یا فعالیت‌های غیرقانونی برای کسب درآمد منجر می‌شود.

نظریه جنسیت و قدرت کانل (۲۰۱۳) تفاوت‌های جنسیتی در مشارکت در جرائم را تبیین می‌کند. در لرستان، داده‌های اولیه نشان‌دهنده غلبه مردان (۹۷/۷ درصد دستگیرشدگان) در جرائم مواد مخدر است که با ساختارهای مردسالارانه و نقش‌های جنسیتی سنتی در این منطقه همخوانی دارد. مردان به دلیل حضور فعال‌تر در فضاهای عمومی و دسترسی به شبکه‌های مجرمانه بیشتر درگیر قاچاق و خرده‌فروشی می‌شوند، درحالی‌که زنان ممکن است به اعتیاد به عنوان مکانیسمی برای مقابله با فشارهای اجتماعی گرایش یابند. نظریه چرخه زندگی الدر (۱۹۹۸) سن را به عنوان عاملی کلیدی در رفتارهای انحرافی معرفی می‌کند. در لرستان، گروه سنی ۲۵-۳۹ سال (۶۲ درصد از کل جرائم) به دلیل فشارهای اقتصادی، مسئولیت‌های خانوادگی و نیاز به تأمین معیشت آسیب‌پذیرتر است. جوانان (۱۴-۲۴ سال) ممکن است متأثر از همسالان به اعتیاد گرایش یابند، درحالی‌که افراد بالای ۴۰ سال به دلیل کاهش مسئولیت‌ها کمتر درگیر می‌شوند.

نظریه جهانی‌شدن و جرم آس (۲۰۱۳) بر تأثیر تحرک‌های جهانی و تفاوت‌های جغرافیایی بر جرائم تأکید دارد. در مناطق مرزی، بومی/غیربومی بودن نقش مهمی در قاچاق مواد مخدر ایفا می‌کند، اما در مناطق داخلی مانند لرستان، که از مرزها فاصله دارد، بومی‌ها (۹۹ درصد دستگیرشدگان) غالب‌اند. با این حال، نزدیکی لرستان به مسیرهای ترانزیت داخلی فرصت‌های قاچاق را افزایش داده است. این چارچوب نظری با تلفیق عوامل ساختاری و فردی، امکان تحلیل جامع جرائم مواد مخدر در بستر محلی لرستان را فراهم می‌سازد.

با وجود انجام پژوهش‌های متعدد در سطح کشور، نبود تحقیقات محلی با رویکرد ترکیبی از نظریه‌های نوین در استان لرستان به وضوح احساس می‌شود. شناسایی وضعیت قربانیان در جرایم مواد مخدر به عنوان یک فرآیند اجتماعی نیازمند تأیید و حفظ هویت

قربانی از طریق تعاملات اجتماعی و سیاست‌های کلان است (استروبل^۱، ۲۰۱۰؛ ملروز و پیرس^۲، ۲۰۱۳). تحقیق حاضر با تمرکز بر شرایط خاص این استان این موضوع را بررسی می‌کند که کدام عوامل فردی و اجتماعی نظیر جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت شغلی، سن و بومی/غیربومی بودن بیشترین نقش را در بروز جرائم مرتبط با مواد مخدر ایفا می‌کنند و این متغیرها چگونه در تعامل با یکدیگر الگوهای جرم را شکل می‌دهند. هدف اصلی مطالعه یافتن علل این مسئله در استان لرستان براساس متغیرهای جمعیت‌شناختی و ارائه راهکارهای عملی برای مقابله با آن از جمله برنامه‌هایی برای اشتغال، آموزش مهارت‌های زندگی و کاری، و تقویت پیوندهای اجتماعی در مناطق کم برخوردار است. با استفاده از داده‌های رسمی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ و توجه به ویژگی‌های بومی منطقه، این پژوهش می‌کوشد خلأ موجود در ادبیات محلی را پر کند و زمینه‌ساز سیاست‌گذاری‌های مؤثر در حوزه پیشگیری از جرائم مواد مخدر شود. همچنین، با توجه به ساختار اجتماعی خاص لرستان و نقش آن در شبکه‌های ترانزیتی داخلی، یافته‌های این تحقیق می‌تواند الگویی برای مطالعات مشابه در دیگر استان‌های کشور نیز ارائه دهند.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش این پژوهش کمی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و علی-مقایسه‌ای بود. هدف بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنسیت، تحصیلات، شغل، سن و بومی/غیربومی بودن) با نوع جرم مرتبط با مواد مخدر (اعتیاد، قاچاق، خرده‌فروشی) بود. جامعه آماری شامل همه افراد دستگیرشده به دلیل جرائم مرتبط با مواد مخدر در استان لرستان در بازه زمانی پنج‌ساله (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) بود. جامعه نمونه شامل ۱۱ شهرستان استان لرستان بود که تنوعی از نظر نوع جرم، جنسیت، تحصیلات، شغل، سن، بومی/غیربومی بودن و شهرستان محل وقوع جرم داشتند.

با توجه به استفاده از داده‌های ثانویه رسمی، روش نمونه‌گیری به صورت سرشماری انجام شد و پرونده‌هایی وارد تحلیل شدند که اطلاعات جمعیت‌شناختی و جرم‌شناختی

کامل داشتند. پرونده‌های ناقص حذف شدند و حجم نمونه نهایی پس از پالایش داده‌ها، برابر با ۹۱۷۴۹ نفر بود که شامل ۸۹۶۳۹ فرد وابسته به مواد، ۲۹۸۸ قاچاقچی و ۲۷۸۵۵ خرده‌فروش بود.

ابزار گردآوری داده‌ها در این مطالعه، داده‌های ثانویه و آرشیوی بدست آمده از بانک‌های اطلاعاتی رسمی (نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) بود. فرایند جمع‌آوری داده‌ها با دریافت مجوزهای رسمی، دسترسی به پایگاه‌های داده دیجیتال و آرشیوهای کاغذی و استخراج اطلاعات در قالب جداول استاندارد انجام شد. برای سنجش روایی داده‌ها از طریق بررسی بین‌سازمانی و کنترل معیارهای ورود (کامل بودن داده‌ها) تأیید شد و پایایی از طریق مقایسه آماری بین سال‌ها و بین نهادها بررسی شد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-۲۶ انجام شد. از تحلیل‌های توصیفی (فراوانی و درصد) و رگرسیون لجستیک چند حالت استفاده شد، زیرا متغیر وابسته (نوع جرم مرتبط با مواد مخدر) متغیری اسمی با سه دسته (افراد وابسته به مواد، قاچاقچیان، خرده‌فروشان) بود. رگرسیون لجستیک چند حالت برای بررسی اثر متغیرهای مستقل (جنسیت، تحصیلات، شغل، سن و بومی/غیربومی بودن) بر احتمال وقوع هر نوع جرم در مقایسه با دسته مرجع (افراد وابسته به مواد) به کار گرفته شد. برای ارزیابی برازش مدل، معیارهایی مانند مقدار $-2 \text{ Log Likelihood}$ ، R^2 Nagelkerke مدنظر قرار گرفت.

یافته‌ها

تحلیل داده‌های این پژوهش با هدف بررسی تأثیر متغیرهای فردی و اجتماعی شامل جنسیت، تحصیلات، شغل، سن و بومی/غیربومی بودن بر جرائم مرتبط با مواد مخدر در استان لرستان انجام شد. این جرائم به سه دسته اعتیاد، قاچاق و خرده‌فروشی تقسیم شدند که هریک الگوهای متفاوتی از رفتارهای انحرافی را نشان می‌دهند. داده‌ها از ۹۱۷۴۹ فرد دستگیر شده در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ استخراج شدند که شامل ۸۹۶۳۹ فرد وابسته به مواد، ۲۹۸۸ قاچاقچی و ۲۷۸۵۵ خرده‌فروش بودند. این توزیع اولیه نشان‌دهنده غلبه افراد وابسته به مواد در میان جرائم مرتبط با مواد مخدر است که با شرایط اجتماعی و اقتصادی لرستان از جمله نرخ زیاد بیکاری (۱۵ درصد در سال ۱۴۰۰) و محرومیت اقتصادی در

مناطق روستایی همخوانی دارد. برای تحلیل اثر متغیرهای مستقل بر نوع جرم از رگرسیون لجستیک چند حالت استفاده شد، زیرا متغیر وابسته (نوع جرم) متغیری اسمی با سه دسته است که نیازمند مدل‌سازی احتمال وقوع هر دسته در مقایسه با یک دسته مرجع است. گروه افراد وابسته به مواد به عنوان دسته مرجع انتخاب شد، زیرا اکثریت قاطع نمونه را تشکیل می‌دادند. این روش امکان بررسی دقیق‌تر روابط بین متغیرهای مستقل و انواع جرائم را فراهم کرد.

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی جرائم مواد مخدر

نمونه پژوهش شامل ۹۱۷۴۹ نفر بود که توزیع متغیرهای نوع جرم، جنسیت، تحصیلات، شغل، سن و بومی/غیربومی بودن را نشان می‌دهد.

جدول ۱: خلاصه پردازش موارد

متغیر	دسته	تعداد	درصد حاشیه‌ای
گروه	وابسته به مواد	۸۹/۶۳۹	۹۷/۶۰
	قاچاقچی	۲/۹۸۸	۳/۳۰
	خرده‌فروش	۲/۸۵۵	۱۰/۳
جنس	مرد	۸۹/۶۳۹	۹۷/۷۰
	زن	۲/۱۱۰	۲۰/۳۰
تحصیلات	بی‌سواد	۶/۲۳۹	۶/۸۰
	دیپلم و کمتر	۶۰/۶۴۶	۶۶/۱۰
	۰۰.۳ تحصیلات عالی	۱/۶۵۱	۱/۸۰
	بیکار	۵۰/۷۸۷	۵۵/۳۰
شغل	شاغل	۴۰/۹۶۲	۴۴/۷۰
	زیر ۱۴ سال	۷۳۴	۰/۸۰
	۱۴-۲۴ سال	۹/۷۲۵	۱۰/۶۰
سن	۲۵-۳۹ سال	۵۶/۸۸۵	۶۲
	بالای ۴۰ سال	۲۴/۴۰۵	۲۶/۶۰
	بومی	۹۰/۸۳۱	۹۹/۰
	غیربومی	۹۱۸	
بومی/غیربومی بودن		۹۱/۷۴۹	۱۰۰/۰۰
		۹۱/۷۴۹	۱۰۰/۰۰
معتبر			
کل			

اکثریت قریب به اتفاق نمونه (۹۷/۶ درصد) افراد وابسته به مواد بودند، درحالی‌که قاچاقچیان (۳/۳ درصد) و خرده‌فروشان (۳/۱ درصد) درصد بسیار کمتری را تشکیل دادند. این توزیع نامتوازن حاکی از شیوع گسترده اعتیاد در مقایسه با فعالیت‌های قاچاق و خرده‌فروشی در استان لرستان است. این الگو ممکن است به عوامل مختلفی مانند دسترسی آسان‌تر به مواد مخدر، مشکلات اقتصادی و اجتماعی که به مصرف مواد دامن می‌زنند یا تمرکز بیشتر نهادهای نظارتی بر شناسایی افراد وابسته به مواد در مقایسه با سایر جرائم مرتبط باشد. این یافته نشان می‌دهد که اعتیاد به عنوان مسئله اجتماعی غالب در این منطقه نیازمند توجه ویژه در سیاست‌گذاری‌ها است. مردان (۹۷/۷ درصد) به طور چشمگیری بر زنان (۲/۳ درصد) در جرائم مرتبط با مواد مخدر غالب بودند. این تفاوت چشمگیر می‌تواند به عوامل متعددی مرتبط باشد، از جمله نقش‌های جنسیتی که ممکن است مردان را بیشتر در معرض فعالیت‌های پرخطر مانند قاچاق یا خرده‌فروشی قرار دهد یا احتمال کمتر شناسایی و ثبت جرائم زنان به دلیل مسائل فرهنگی یا اجتماعی. این توزیع نشان‌دهنده شکاف جنسیتی عمیق در این حوزه است. بیشتر نمونه (۶۶/۱ درصد) دارای تحصیلات دیپلم یا کمتر بودند، ۶/۸ درصد بی‌سواد بودند و تنها ۱/۸ درصد تحصیلات عالی داشتند. این توزیع نشان‌دهنده سطح تحصیلات پایین در میان افراد مرتبط با جرائم مواد مخدر است. تحصیلات کم ممکن است به عنوان عامل خطر عمل کند، زیرا فرصت‌های شغلی محدود، آگاهی کمتر از عواقب مصرف مواد یا دسترسی ناکافی به منابع آموزشی می‌تواند افراد را به سمت این جرائم سوق دهد. بیش از نیمی از نمونه (۵۵/۳ درصد) بیکار بودند، در حالی‌که ۴۴/۷ درصد شاغل بودند. بیکاری به عنوان عاملی کلیدی برجسته می‌شود، زیرا ممکن است فشارهای اقتصادی، فقدان ثبات مالی یا نبود فرصت‌های شغلی افراد را به سمت فعالیت‌های غیرقانونی مانند قاچاق یا خرده‌فروشی مواد مخدر سوق دهد. این یافته بر اهمیت وضعیت اشتغال در این جرائم تأکید دارد. گروه سنی ۲۵-۳۹ سال (۶۲ درصد) غالب بود، پس از آن گروه بالای ۴۰ سال (۲۶/۶ درصد)، ۱۴-۲۴ سال (۱۰/۶ درصد) و زیر ۱۴ سال (۸ درصد) قرار داشتند. تسلط گروه سنی ۲۵-۳۹ سال نشان می‌دهد که این دوره سنی احتمالاً اوج فعالیت‌های مرتبط با مواد مخدر است، شاید به دلیل فشارهای

اقتصادی، مسئولیت‌های خانوادگی یا قرار گرفتن در شبکه‌های اجتماعی که این رفتارها را تسهیل می‌کنند. حضور افراد زیر ۱۴ سال هرچند اندک، نگران‌کننده است و ممکن است به مسائل اجتماعی عمیق‌تر مانند فقر یا نبود نظارت خانوادگی اشاره داشته باشد. تقریباً تمام نمونه (۹۹ درصد) بومی بودند و ۱ درصد غیربومی بودند. این توزیع نشان‌دهنده تمرکز جرائم مواد مخدر در میان جمعیت محلی است که می‌تواند به عوامل محلی مانند شبکه‌های اجتماعی، دسترسی به مواد یا شرایط اقتصادی خاص منطقه مرتبط باشد. این توزیع‌های توصیفی تصویری از گروه‌های پرخطر ارائه می‌دهند: مردان، افراد با تحصیلات کم، بیکاران و گروه سنی ۲۵-۳۹ سال در میان جمعیت بومی. به این ویژگی‌ها می‌توان به عنوان نقاط شروع برای مداخلات هدفمند توجه کرد.

تحلیل آماری و پیش‌بینی نوع جرم

برای ارزیابی تطبیق مدل رگرسیون لجستیک چندجمله‌ای، معیارهای آماری کلیدی بررسی شده‌اند.

۲۲۱
221

جدول ۲: اطلاعات تطبیق مدل

احتمال لگاریتمی	کای اسکوائر	درجه آزادی	معناداری	مدل
مقادیر	۱۹۶۴۲/۶۷	۱۶	۰	نهایی

مدل نهایی (شامل متغیرهای جنسیت، تحصیلات، شغل، سن و بومی/غیربومی بودن) به طور معنی‌داری بهتر از مدل بدون متغیرهای مستقل داده‌ها را توضیح داد. کاهش چشمگیر در مقدار احتمال لگاریتمی و آزمون نسبت درست‌نمایی با مقدار p کمتر از ۰/۰۰۱ نشان‌دهنده بهبود چشمگیر مدل با افزودن متغیرهای مستقل است. این نتیجه تأیید می‌کند که متغیرهای بررسی‌شده نقش مهمی در تمایز بین گروه‌های جرمی (افراد وابسته به مواد، قاچاقچی و خرده‌فروش) دارند. مقادیر شبه- R مربع نیز میزان واریانس تبیین شده توسط مدل را نشان می‌دهند (جدول ۳).

جدول ۳: شبه- R مربع

مقدار	معیار
۰/۱۹	کاکس و اسنل
۰/۲۳	ناگلکرک
۰/۰۷	مک‌فادن

معیار ناگلکریک (حدود ۰/۲۳) و کاکس و اسنل (۰/۱۹) نشان‌دهنده تطبیق متوسط مدل هستند، در حالی که معیار مک‌فادن (۰/۰۷) بهبود کم، اما معنی‌دار را تأیید کرد. این مقادیر حاکی از آن است که مدل بخشی از تفاوت‌های بین گروه‌های جرمی را توضیح می‌دهد، اما عوامل دیگری (مانند متغیرهای روان‌شناختی، اقتصادی یا محیطی) که در این مطالعه بررسی نشده‌اند ممکن است واریانس باقی‌مانده را توضیح دهند. با توجه به حجم نمونه بزرگ، این سطح از تطبیق همچنان ارزشمند است. تحلیل رگرسیون لجستیک چندجمله‌ای برای بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر نوع جرم انجام شد. اثر هر متغیر با آزمون نسبت درست‌نمایی ارزیابی شد (جدول ۴).

جدول ۴: آزمون‌های نسبت درست‌نمایی

اثر	کای اسکوار	درجه آزادی	سطح معناداری
سن	۱۶۲۲/۸۹	۶	۰/۰۰۵*
جنسیت	۱۱۹۷/۶۷	۲	۰/۰۰۵*
تحصیلات	۲۶۶۷/۴۵	۴	۰/۰۰۵*
شغل	۱۳۳۴/۰۰	۲	۰/۰۰۵*

* $p < 0.01$

سن تأثیر معنی‌داری بر تمایز گروه‌های جرمی داشت ($p < 0.01$). حذف این متغیر به طور چشمگیری تطبیق مدل را کاهش می‌دهد که نشان‌دهنده نقش کلیدی سن در پیش‌بینی نوع جرم است. جنسیت نیز اثر معنی‌داری داشت ($p < 0.01$). تفاوت‌های جنسیتی در احتمال ارتکاب انواع جرائم مواد مخدر واضح است و حذف این متغیر تأثیر منفی بر مدل دارد. تحصیلات قوی‌ترین اثر را در میان متغیرها داشت ($p < 0.01$). سطح تحصیلات به طور چشمگیری با نوع جرم مرتبط است و حذف آن بیشترین کاهش را در تطبیق مدل ایجاد می‌کند. وضعیت اشتغال نیز اثر معنی‌داری داشت ($p < 0.01$). بیکاری به عنوان عامل خطر کلیدی برجسته شد و نقش مهمی در پیش‌بینی نوع جرم ایفا کرد. برآوردهای پارامترها جزئیات بیشتری درباره جهت و قدرت این روابط ارائه می‌دهند (جدول ۵).

جدول ۵: برآوردهای پارامترها

متغیر	B	خطای استاندارد	Wald	df	سطح معناداری	Exp(B)	فاصله اطمینان ۹۵ درصد پایین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد بالا
رهگیری	۲/۳۵	۰/۸۷	۷/۲۷	۱	۰/۰۰۷**			
سن	۱/۸۹	۰/۴۵	۱۷/۶۹	۱	۰	۶/۶۲	۲/۷۴	۱۶/۰۱
سن=۲	۱/۳۵	۰/۴۲	۱۰/۲۶	۱	۰/۰۰۱***	۳/۸۴	۱/۶۸	۸/۷۸
سن=۳	۰/۷۹	۰/۳۹	۴/۱۰	۱	۰/۰۴۳*	۲/۲۰	۱/۰۳	۴/۷۳
جنسیت	۱/۴۶	۰/۳۵	۱۷/۳۱	۱	۰	۴/۲۹	۲/۱۶	۸/۵۳
تحصیلات	۱/۶۸	۰/۴۸	۱۲/۲۰	۱	۰	۵/۳۵	۲/۰۸	۱۳/۷۶
تحصیلات=۲	۱/۱۲	۰/۴۵	۶/۲۳	۱	۰/۰۱۳*	۳/۰۷	۱/۲۸	۷/۴۱
شغل	۱/۳۵	۰/۴۳	۹/۷۸	۱	۰/۰۰۲**	۳/۸۴	۱/۶۵	۸/۹۲
رهگیری	۱/۹۹	۰/۸۵	۵/۴۸	۱	۰/۰۱۹*			
سن	۱/۴۶	۰/۴۳	۱۱/۴۶	۱	۰/۰۰۱***	۴/۲۹	۱/۸۵	۹/۹۸
سن=۲	۱/۰۲	۰/۴	۶/۵۳	۱	۰/۰۱۱*	۲/۷۸	۱/۰۲	۶/۱۱
سن=۳	۰/۵۷	۰/۳۷	۲/۳۵	۱	۰/۱۳	۱/۷۶	۰/۸۵	۳/۶۴
جنسیت	۱/۱۲	۰/۳۳	۱۱/۵۶	۱	۰/۰۰۱***	۳/۰۷	۱/۶۱	۵/۸۷
تحصیلات	۱/۳۵	۰/۴۶	۸/۵۶	۱	۰/۰۰۳**	۳/۸۶	۱/۵۲	۹/۷۵
تحصیلات=۲	۰/۸۹	۰/۴۳	۴/۱۵	۱	۰/۰۴۲*	۲/۴۴	۱/۰۵	۵/۶۷
شغل	۱/۰۲	۰/۴۱	۶/۲۲	۱	۰/۰۱۳*	۲/۷۸	۱/۲۴	۶/۲۲

* $p < 0.05$. ** $p < 0.01$. *** $p < 0.001$.

برای قاچاقچیان در مقایسه با افراد وابسته به مواد، افراد جوان‌تر (زیر ۱۴ سال، ۱۴-۲۴ سال، و ۲۵-۳۹ سال) در مقایسه با گروه بالای ۴۰ سال احتمال بیشتری برای قاچاقچی بودن داشتند. به طور خاص، گروه زیر ۱۴ سال بیش از ۶ برابر، ۱۴-۲۴ سال حدود ۴ برابر، و ۲۵-۳۹ سال حدود ۲ برابر احتمال بیشتری برای قاچاقچی بودن داشتند. این نشان می‌دهد که قاچاق فعالیت است که بیشتر در سنین پایین تر رخ می‌دهد، شاید به دلیل ریسک‌پذیری بیشتر یا دسترسی به شبکه‌های غیرقانونی. مردان بیش از ۴ برابر زنان احتمال قاچاقچی بودن را داشتند. این تفاوت جنسیتی نشان‌دهنده نقش پررنگ مردان در فعالیت‌های توزیع مواد

مخدر است. افراد بی‌سواد و با تحصیلات دیپلم یا کمتر به ترتیب بیش از ۵ و ۳ برابر احتمال بیشتری برای قاچاقچی‌بودن در مقایسه با افراد با تحصیلات عالی داشتند. تحصیلات کم احتمالاً با فرصت‌های محدود اقتصادی مرتبط است. بیکاران حدود ۴ برابر شاغلان احتمال قاچاقچی‌بودن داشتند که فشارهای اقتصادی را به عنوان محرکی کلیدی برجسته می‌کند. برای خرده‌فروشان در مقایسه با افراد وابسته به مواد، گروه‌های زیر ۱۴ سال و ۱۴-۲۴ سال به ترتیب حدود ۴ و ۳ برابر احتمال بیشتری برای خرده‌فروش بودن در مقایسه با گروه بالای ۴۰ سال داشتند، اما گروه ۲۵-۳۹ سال تفاوت معنی‌داری نداشت ($p=0$). این نشان می‌دهد که خرده‌فروشی نیز بیشتر در سنین پایین‌تر رخ می‌دهد. مردان حدود ۳ برابر زنان احتمال خرده‌فروش بودن داشتند که باز هم نقش غالب مردان را تأیید می‌کند. افراد بی‌سواد و با تحصیلات دیپلم یا کمتر به ترتیب حدود ۴ و ۲/۴ برابر احتمال بیشتری برای خرده‌فروش بودن در مقایسه با افراد با تحصیلات عالی داشتند. بیکاران حدود ۳ برابر شاغلان احتمال خرده‌فروش بودن داشتند. هیچ تفاوت معنی‌داری بین بومی‌ها و غیربومی‌ها وجود نداشت ($p=0/90$). این نتایج نشان می‌دهند که سن، جنسیت، تحصیلات و شغل پیش‌بینی‌کنندگان قوی برای تمایز بین افراد وابسته به مواد، قاچاقچیان و خرده‌فروشان هستند. افراد جوان‌تر، مردان، افراد با تحصیلات پایین و بیکاران در مقایسه با افراد وابسته به مواد، احتمال بیشتری برای درگیر شدن در قاچاق یا خرده‌فروشی دارند.

این پژوهش الگوهای مشخصی در ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی افراد مرتبط با جرائم مواد مخدر در استان لرستان ارائه می‌دهد. اعتیاد به عنوان غالب‌ترین جرم (۹۷/۶ درصد)، همراه با تسلط مردان (۹۷/۷ درصد)، افراد با تحصیلات پایین (۶۶/۱ درصد) دیپلم یا کمتر، بیکاران (۵۵/۳ درصد) و گروه سنی ۲۵-۳۹ سال (۶۲/۰ درصد)، تصویری از گروه‌های پرخطر ترسیم می‌کند. تحلیل رگرسیون نشان داد که سن، جنسیت، تحصیلات و شغل به طور معنی‌داری در تمایز بین افراد وابسته به مواد، قاچاقچیان و خرده‌فروشان نقش دارند. افراد جوان‌تر و بیکار با تحصیلات پایین، به ویژه مردان، بیشتر در معرض قاچاق و خرده‌فروشی هستند، در حالی که اعتیاد در همه گروه‌ها شایع است. تسلط جمعیت بومی (۹۹/۰ درصد) بر غیربومی‌ها بر اهمیت عوامل محلی تأکید دارد. این یافته‌ها می‌توانند برای

طراحی برنامه‌های پیشگیری، آموزش حرفه‌ای و حمایت‌های اجتماعی برای کاهش جرائم مواد مخدر در این منطقه استفاده شوند.

تحلیل منطقه‌ای

توزیع جرائم در سطح شهرستان‌های لرستان با استفاده از نمره استاندارد بررسی شد و نتایج در جدول ۶ ارائه شده است. این تحلیل نابرابری منطقه‌ای در وقوع جرائم مرتبط با مواد مخدر را نشان می‌دهد و معیاری استاندارد برای مقایسه نرخ جرائم در هر شهرستان در مقایسه با میانگین کل استان است که امکان شناسایی مناطق پرخطر و کم‌خطر را فراهم می‌کند.

جدول ۶: رتبه‌بندی شهرستان‌ها براساس نمره استاندارد

شهرستان	نمره استاندارد	رتبه
خرم‌آباد	۱/۷۸	۱
بروجرد	۱/۷۲	۲
دورود	۱/۴۱	۳
الیگودرز	۰/۱۸	۴
دلفان	-۰/۷۱	۵
ازنا	-۰/۴۵	۵
سلسله	-۰/۶۲	۶
پلدختر	-۰/۶۱	۷
رومشکان	-۰/۶۸	۸
کوهدشت	-۰/۰۶	۹
چگنی	-۱	۱۰

نتایج جدول ۳ نشان داد که خرم‌آباد با نمره استاندارد (۱/۷۸) و بروجرد با نمره استاندارد (۱/۷۲) بیشترین میزان جرائم مرتبط با مواد مخدر را داشتند و به عنوان مراکز اصلی جرائم شناسایی شدند. این الگو احتمالاً به موقعیت جغرافیایی این شهرها به عنوان مراکز ترانزیت داخلی مواد مخدر مرتبط است که فرصت‌های قاچاق و خرده‌فروشی را افزایش می‌دهد. خرم‌آباد به عنوان مرکز استان و بروجرد به دلیل موقعیت استراتژیک در مسیرهای ارتباطی، دسترسی بیشتری به شبکه‌های توزیع مواد مخدر دارند. درمقابل، چگنی با نمره استاندارد (۱-) و کوهدشت با نمره استاندارد (۰/۶۸) کمترین میزان جرائم را نشان

دادند. این تفاوت‌ها با نظریه جهانی‌شدن و جرم آس (۲۰۱۳) هم‌راستا است که تحرک‌های جغرافیایی و دسترسی به مسیرهای ترانزیت را با افزایش جرائم مرتبط می‌داند. همچنین، نظریه سرمایه اجتماعی لین (۲۰۰۲) محرومیت اجتماعی در مناطق کم‌برخوردار مانند چگنی و رومشکان را توضیح می‌دهد که ممکن است جرائم را به دلیل کاهش دسترسی به منابع اقتصادی و شبکه‌های مجرمانه محدود کند. این تحلیل منطقه‌ای بر لزوم سیاست‌گذاری‌های متمرکز بر مناطق پرخطر مانند خرم‌آباد و بروجرد تأکید دارد، در حالی که مناطق کم‌خطر می‌توانند از برنامه‌های پیشگیرانه بهره‌مند شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

جرائم مرتبط با مواد مخدر به عنوان یکی از چالش‌های اجتماعی پیچیده در ایران اثرات عمیقی بر سلامت عمومی، امنیت اجتماعی و ثبات اقتصادی دارند. این پژوهش با تمرکز بر استان لرستان به بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی و اجتماعی شامل جنسیت، تحصیلات، شغل، سن و بومی/غیربومی بودن را بر سه نوع جرم مرتبط با مواد مخدر (اعتیاد، قاچاق و خرده‌فروشی) پرداخت. داده‌های استخراج‌شده از ۹۱/۷۴۹ فرد دستگیرشده در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ تصویری جامع از الگوهای این جرائم در این منطقه ارائه داد. یافته‌های این مطالعه نه تنها ویژگی‌های گروه‌های پرخطر را شناسایی کرد، بلکه نقش عوامل ساختاری و محلی را در شکل‌گیری این جرائم برجسته ساخت. نتایج این پژوهش با تلفیق تحلیل‌های توصیفی، آماری و منطقه‌ای، و بهره‌گیری از چارچوب نظری چندوجهی درک عمیق‌تری از پویایی جرائم مواد مخدر در بستر اجتماعی و اقتصادی لرستان فراهم می‌کند و می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های هدفمند باشد.

نتایج توصیفی نشان داد که اعتیاد با ۹۷/۶ درصد از کل جرائم غالب‌ترین نوع جرم مرتبط با مواد مخدر در لرستان بود، در حالی که قاچاق (۳/۳ درصد) و خرده‌فروشی (۳/۱ درصد) سهم بسیار کمتری داشتند. این توزیع نامتوازن نشان‌دهنده شیوع گسترده اعتیاد به عنوان مسئله اجتماعی غالب در این منطقه است. عوامل متعددی می‌توانند این الگو را توضیح دهند: نخست، دسترسی آسان به مواد مخدر، به ویژه در مناطقی با محرومیت اقتصادی زیاد، ممکن است مصرف مواد را به عنوان مکانیسمی برای مقابله با فشارهای

اجتماعی و اقتصادی تسهیل کنند؛ دوم، نرخ بیکاری زیاد (۱۵ درصد در سال ۱۴۰۰) و فقر در مناطق روستایی لرستان، به ویژه در شهرستان‌هایی مانند چگنی و رومشکان، زمینه‌ساز گرایش افراد به اعتیاد می‌شود؛ سوم، تمرکز نهادهای نظارتی بر شناسایی افراد وابسته به مواد در مقایسه با قاچاقچیان یا خرده‌فروشان ممکن است به ثبت بیشتر موارد اعتیاد منجر شده باشد. این یافته‌ها با نتایج غنی‌یگانه و نورانی (۱۴۰۳) در همدان همخوانی دارد که نشان دادند که عوامل اجتماعی مانند بیکاری، فقر، و معاشرت با دوستان ناباب تأثیر بالایی در گرایش به اعتیاد دارند. همچنین، تروما و تجربیات نامطلوب کودکی به عنوان عوامل فردی کلیدی بر گرایش افراد به جرایم مرتبط با مواد مخدر تأثیر دارند و آگاهی فزاینده‌ای از این عوامل در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مواد مخدر ایجاد شده است (باتسون و همکاران، ۲۰۲۰؛ گیلسپی-اسمیت و همکاران، ۲۰۲۰). این شرایط با نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در جوامع دیگر نیز همخوانی دارد، جایی که جرم‌انگاری نامتناسب گروه‌های محروم و اقلیت‌ها به عنوان یکی از عوامل کلیدی در جرایم مواد مخدر شناخته شده است (شاینر و همکاران، ۲۰۱۸؛ کورام، ۲۰۱۹). همچنین، پژوهش احدی و همکاران (۱۴۰۱) در زنجان بر نقش ناکامی و یادگیری اجتماعی (تأثیر دوستان) تأکید کرده که با نظریه محرومیت نسبی گور (۲۰۱۱) و الگوی مشاهده شده در لرستان مطابقت دارد. نظریه گور ناکامی ناشی از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را به عنوان عاملی برای رفتارهای انحرافی معرفی می‌کند. در لرستان، محدودیت‌های اقتصادی و نبود فرصت‌های شغلی پایدار افراد را به سمت مصرف مواد مخدر سوق می‌دهد که بیشتر به عنوان راهی برای فرار از واقعیت‌های دشوار زندگی تلقی می‌شود.

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که مردان با ۹۷/۷ درصد در مقایسه با زنان ۲/۳ درصد اکثریت افراد دستگیر شده را تشکیل دادند. این شکاف جنسیتی عمیق با نظریه جنسیت و قدرت کانل (۲۰۱۳) تبیین‌پذیر است. اما پژوهش سلیمانی و همکاران (۱۴۰۰) در آذربایجان غربی نشان داد که زنان به دلیل فشارهای خانوادگی (مانند اعتیاد اعضای خانواده و از هم گسیختگی خانوادگی) و فقدان امکانات تفریحی-آموزشی به اعتیاد گرایش دارند. این یافته‌ها توضیح می‌دهند که در ساختارهای اجتماعی مردسالارانه

لرستان مردان به دلیل حضور فعال‌تر در فضاهای عمومی و دسترسی بیشتر به شبکه‌های مجرمانه بیشتر در معرض فعالیت‌های پرخطر مانند قاچاق و خرده‌فروشی قرار دارند. درمقابل، زنان به دلیل محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی کمتر در این فعالیت‌ها مشارکت می‌کنند و ممکن است اعتیاد آن‌ها به عنوان مکانیسمی برای مقابله با فشارهای خانوادگی یا اجتماعی کمتر در آمارهای رسمی ثبت شود. این تفاوت جنسیتی ضرورت توجه به نقش‌های جنسیتی در طراحی برنامه‌های پیشگیری و مداخله را برجسته می‌کند. برای مثال، برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای زنان باید بر کاهش عوامل خطر اعتیاد مانند فشارهای خانوادگی و فقدان حمایت اجتماعی، تمرکز کنند، درحالی‌که مداخلات برای مردان می‌توانند بر کاهش مشارکت در فعالیت‌های توزیع مواد مخدر متمرکز شوند.

سطح تحصیلات کم نیز به عنوان عاملی کلیدی در جرائم مواد مخدر شناسایی شد. بیشتر نمونه (۶۶/۱ درصد) دارای تحصیلات دیپلم یا کمتر بودند، ۶/۸ بی‌سواد بودند و تنها ۱/۸ تحصیلات عالی داشتند. این توزیع با نظریه سرمایه اجتماعی لین (۲۰۰۲) همراستا است. همچنین، این یافته با نتایج پژوهش احدی و همکاران (۱۴۰۱) در زنجان همخوانی دارد که نشان دادند افراد با تحصیلات سیکل و دیپلم بیشتر در معرض اعتیاد به مواد صنعتی هستند. همچنین، سلیمانی و همکاران (۱۴۰۰) بر فقدان آموزش مهارت‌های زندگی و بهداشت روانی به عنوان عاملی برای گرایش به اعتیاد تأکید کرده‌اند، که بر اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش به عنوان راهبرد پیشگیری بلندمدت تأکید می‌کند. برنامه‌های آموزشی متمرکز بر تقویت مهارت‌های زندگی و حرفه‌ای می‌توانند به کاهش آسیب‌پذیری افراد در برابر این جرائم به ویژه در مناطق محروم لرستان که دسترسی به آموزش باکیفیت محدود است، کمک کنند.

بیکاری با ۵۵/۳ درصد از نمونه، به عنوان یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کنندگان جرائم مواد مخدر شناسایی شد. بیکاران در مقایسه با شاغلان، احتمال بیشتری برای درگیر شدن در قاچاق و خرده‌فروشی داشتند. این نتیجه با نظریه محرومیت نسبی گور (۲۰۱۱) و نظریه سرمایه اجتماعی لین (۲۰۰۲) همخوانی دارد. همچنین، با نتایج یافته‌های غنی‌یگانه و نورانی (۱۴۰۳) در همدان مطابقت دارد که بیکاری را به عنوان یکی از عوامل اصلی گرایش به

اعتیاد شناسایی کرده‌اند و بر ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و آموزش‌های مهارتی برای کاهش جرائم مواد مخدر در مناطق محروم تأکید می‌کند. بیکاری، فشارهای اقتصادی و بی‌ثباتی مالی را تشدید می‌کند و افراد را به سمت فعالیت‌های غیرقانونی برای کسب درآمد سوق می‌دهد. در لرستان نرخ بیکاری زیاد خصوصاً در مناطق روستایی این الگو را تقویت می‌کند. این یافته ضرورت ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و برنامه‌های آموزش حرفه‌ای برای کاهش جرائم مواد مخدر را برجسته می‌کند. سیاست‌هایی مانند توسعه صنایع محلی، حمایت از کسب و کارهای کوچک و ارائه آموزش‌های مهارتی می‌توانند به کاهش بیکاری و در نتیجه کاهش گرایش به فعالیت‌های غیرقانونی کمک کنند.

سن نیز نقش مهمی در تمایز انواع جرائم ایفا کرد. گروه سنی ۲۵-۳۹ سال (با ۶۲ درصد از کل نمونه) غالب‌ترین گروه سنی بود که با نظریه چرخه زندگی الدر (۱۹۹۸) هم‌راستاست. این یافته با نتایج احدی و همکاران (۱۴۰۱) در زنجان همخوانی دارد که نشان دادند یادگیری اجتماعی و تأثیر دوستان در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال نقش کلیدی در اعتیاد به مواد صنعتی دارد. همچنین، غنی‌یگانه و نورانی (۱۴۰۳) در همدان معاشرت با دوستان ناباب را به عنوان یکی از عوامل اصلی گرایش به اعتیاد شناسایی کرده‌اند. این گروه سنی به دلیل فشارهای اقتصادی، مسئولیت‌های خانوادگی و قرار گرفتن در شبکه‌های اجتماعی که رفتارهای انحرافی را تسهیل می‌کنند، آسیب‌پذیرتر است. افراد جوان‌تر (۱۴-۲۴ سال و زیر ۱۴ سال) نیز احتمال بیشتری برای قاچاق و خرده‌فروشی داشتند که می‌تواند به ریسک‌پذیری بیشتر و تأثیرپذیری از همسالان مرتبط باشد. حضور افراد زیر ۱۴ سال در این جرائم، هرچند اندک ۰/۰۸ درصد، نگران‌کننده است و به مسائل عمیق‌تر اجتماعی مانند فقر، نبود نظارت خانوادگی و دسترسی زودهنگام به مواد مخدر اشاره دارد. این یافته بر ضرورت مداخلات زودهنگام مانند برنامه‌های آموزشی در مدارس و حمایت از خانواده‌ها در مناطق محروم تأکید می‌کند.

بومی/غیربومی بودن برخلاف سایر متغیرها تأثیر معنی‌داری بر نوع جرم نداشت. با ۹۹ درصد از نمونه که بومی بودند، جرائم مواد مخدر در لرستان عمدتاً به جمعیت محلی

محدود می‌شود. این نتیجه با نظریه جهانی شدن و جرم آس (۲۰۱۳) تبیین پذیر است. در مناطق مرزی، بومی/غیربومی بودن ممکن است نقش مهمی در قاچاق ایفا کند، اما در مناطق داخلی مانند لرستان عوامل محلی مانند شبکه‌های اجتماعی، دسترسی به مواد و شرایط اقتصادی تعیین کننده تر هستند. این یافته بر اهمیت تمرکز بر عوامل محلی در سیاست گذاری‌های پیشگیری تأکید دارد. برنامه‌های مداخله باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جمعیت بومی مانند ساختارهای قبیله‌ای و الگوهای شغلی ناپایدار طراحی شوند.

تحلیل رگرسیون لجستیک چند حالتی نقش متغیرهای مستقل در پیش‌بینی نوع جرم را با دقت بیشتری بررسی کرد. نتایج نشان داد که سن، جنسیت، تحصیلات و شغل پیش‌بینی کنندگان قوی برای تمایز بین افراد وابسته به مواد، قاچاقچیان و خرده‌فروشان هستند. برای قاچاقچیان، افراد جوان‌تر (به‌ویژه زیر ۱۴ سال) بیش از ۶ برابر، گروه ۱۴-۲۴ سال حدود ۴ برابر و گروه ۲۵-۳۹ سال حدود ۲ برابر احتمال بیشتری برای قاچاقچی بودن در مقایسه با گروه بالای ۴۰ سال داشتند. مردان بیش از ۴ برابر زنان، افراد بی‌سواد بیش از ۵ برابر و افراد با تحصیلات دیپلم یا کمتر بیش از ۳ برابر افراد با تحصیلات عالی احتمال قاچاقچی بودن داشتند. بیکاران نیز حدود ۴ برابر شاغلان احتمال قاچاقچی بودن داشتند. برای خرده‌فروشان، الگوهای مشابهی مشاهده شد، با این تفاوت که گروه ۲۵-۳۹ سال تفاوت معنی‌داری با گروه بالای ۴۰ سال نداشت. این نتایج بر نقش کلیدی عوامل اقتصادی و اجتماعی در شکل‌گیری الگوهای جرمی تأیید می‌کند.

تحلیل منطقه‌ای نشان داد که خرم‌آباد و بروجرد به‌عنوان مراکز اصلی جرایم شناسایی شدند. احتمالاً به موقعیت آن‌ها به‌عنوان مراکز ترانزیت داخلی مواد مخدر مرتبط است. این شهرها به دلیل دسترسی به شبکه‌های توزیع و تحرک جغرافیایی بسیار، فرصت‌های بیشتری برای قاچاق و خرده‌فروشی فراهم می‌کنند. در مقابل، چگنی و کوهدشت کمترین نرخ جرائم را داشتند که می‌تواند به کاهش دسترسی به شبکه‌های مجرمانه مرتبط باشد. در سطح جهانی، توجه فزاینده‌ای به آسیب‌پذیری‌های فردی و اجتماعی در سیاست گذاری‌های مرتبط با مواد مخدر دیده می‌شود که بر شناسایی گروه‌های در معرض

خطر و حمایت از آنها تأکید دارد (براون و وینکاپ، ۲۰۲۰؛ آسکوئیت و همکاران، ۲۰۱۷؛ فیرمین، ۲۰۲۰). این یافته‌ها با نظریه جهانی‌شدن و جرم آس (۲۰۱۳) و نظریه سرمایه اجتماعی لین (۲۰۰۲) همخوانی دارند همچنین، این یافته با نتایج غنی‌یگانه و نورانی (۱۴۰۳) در همدان همخوانی دارد که حاشیه‌نشینی و بازار ارزان مواد مخدر را به عنوان عوامل کلیدی در گرایش به اعتیاد در شهرهای بزرگ‌تر شناسایی لزوم سیاست‌گذاری‌های متمرکز برای مناطق پرخطر ضروری می‌کند. این نتیجه با پژوهش‌های استروبل (۲۰۱۰) و ملروز و پیرس (۲۰۱۳) که بر شناسایی وضعیت قربانیان در جرایم مواد مخدر به عنوان یک فرآیند اجتماعی نیازمند تأیید و حفظ هویت قربانی از طریق تعاملات اجتماعی و سیاست‌های کلان است تأکید دارند، همسو است.

از منظر نظری، پژوهش حاضر با تلفیق نظریه‌های سرمایه اجتماعی لین (۲۰۰۲)، محرومیت نسبی گور (۲۰۱۱)، نظریه جنسیت و قدرت کانل (۲۰۱۳)، چرخه زندگی الدر (۱۹۹۸) و جهانی‌شدن و جرم آس (۲۰۱۳)، چارچوبی جامع برای تحلیل جرائم مواد مخدر ارائه داد. نظریه سرمایه اجتماعی نقش محدودیت‌های آموزشی و شغلی را در افزایش جرائم توضیح می‌دهد. نظریه محرومیت نسبی تأثیر نابرابری‌های اقتصادی را برجسته می‌کند. نظریه جنسیت و قدرت تفاوت‌های جنسیتی را تبیین می‌کند، در حالی که نظریه چرخه زندگی نقش سن را در رفتارهای انحرافی توضیح می‌دهد. نظریه جهانی‌شدن و جرم تأثیر تحرک جغرافیایی و دسترسی به مسیرهای ترانزیت را در افزایش جرائم تأیید می‌کند. این چارچوب نظری امکان تحلیل چندوجهی جرائم مواد مخدر در بستر محلی لرستان را فراهم کرد و به درک عمیق‌تر عوامل شکل‌دهنده این جرائم کمک کرد.

یافته‌های این پژوهش پیامدهای عملی متعددی برای سیاست‌گذاری و مداخله دارد: نخست، با توجه به شیوع زیاد اعتیاد، برنامه‌های پیشگیری باید بر آموزش عمومی، افزایش آگاهی از عواقب مصرف مواد و ارائه خدمات درمانی و بازتوانی متمرکز شوند؛ دوم، برای کاهش قاچاق و خرده‌فروشی سیاست‌هایی مانند ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، آموزش حرفه‌ای و تقویت نظارت بر مسیرهای ترانزیت داخلی ضروری است؛ سوم، مداخلات باید گروه‌های پرخطر به ویژه مردان جوان بیکار با تحصیلات پایین را هدف

قرار دهند. برنامه‌های آموزشی در مدارس و حمایت از خانواده‌ها می‌توانند از درگیری افراد زیر ۱۴ سال در این جرائم جلوگیری کنند؛ چهارم، سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای باید بر مناطق پرخطر مانند خرم‌آباد و بروجرد متمرکز شوند، در حالی که مناطق کم‌خطر مانند چگنی و رومشکان می‌توانند از برنامه‌های پیشگیرانه بهره‌مند شوند.

پژوهش حاضر با وجود نقاط قوت متعدد، محدودیت‌هایی نیز دارد: نخست، استفاده از داده‌های ثانویه ممکن است به ثبت ناقص یا سوگیری در داده‌ها منجر شده باشد، خصوصاً درباره جرائم زنان که ممکن است کمتر گزارش شوند؛ دوم، این مطالعه عوامل روان‌شناختی و محیطی را مانند سلامت روان، تأثیر همسالان یا دسترسی به خدمات اجتماعی بررسی نکرد که می‌توانند نقش مهمی در جرائم مواد مخدر ایفا کنند؛ سوم، تمرکز بر داده‌های دستگیری ممکن است تصویر کاملی از جرائم مواد مخدر ارائه ندهد، زیرا برخی فعالیت‌ها ممکن است شناسایی یا ثبت نشده باشند. برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌شود که مطالعات کیفی برای بررسی عمیق‌تر انگیزه‌ها و تجربیات افراد درگیر در این جرائم انجام شود. همچنین، تحلیل‌های طولی می‌توانند تغییرات در الگوهای جرمی را در طول زمان بررسی کنند. در نهایت، بررسی تأثیر مداخلات محلی مانند برنامه‌های آموزشی یا اشتغال‌زایی می‌تواند اثربخشی سیاست‌های پیشنهادی را ارزیابی کند.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان داد که جرائم مرتبط با مواد مخدر در لرستان متأثر از عوامل متعدد فردی و اجتماعی است. اعتیاد به عنوان غالب‌ترین جرم خصوصاً در میان مردان، افراد با تحصیلات کم، بیکاران و گروه سنی ۲۵-۳۹ سال نیازمند توجه ویژه در سیاست‌گذاری‌ها است. قاچاق و خرده‌فروشی هرچند کمتر شایع است، ولی در میان افراد جوان‌تر و بیکار با تحصیلات پایین متمرکز است و به نظارت دقیق‌تر بر مسیرهای ترانزیت و ایجاد فرصت‌های شغلی نیاز دارد. توزیع جغرافیایی جرائم با تمرکز بر خرم‌آباد و بروجرد بر اهمیت سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای تأکید می‌کند. با بهره‌گیری از یافته‌های این مطالعه سیاست‌گذاران می‌توانند برنامه‌های پیشگیری و مداخله مؤثری طراحی کنند که نه تنها جرائم مواد مخدر را کاهش دهد، بلکه به بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی در لرستان کمک کند. پژوهش حاضر با ارائه تحلیلی جامع و مبتنی بر شواهد گامی مهم در

جهت پر کردن شکاف‌های تحقیقاتی در این حوزه برداشته است و می‌تواند الگویی برای مطالعات مشابه در دیگر مناطق ایران ارائه دهد.

ملاحظات اخلاقی

این پژوهش با رعایت اصول اخلاقی انجام شد. داده‌های ثانویه با اخذ مجوز رسمی از نهادهای مربوط (نیروی انتظامی و معاونت سیاسی انتظامی استان لرستان) جمع‌آوری شد. داده‌ها تنها برای اهداف علمی به کار رفت و هیچ‌گونه سوگیری در انتخاب یا تحلیل داده‌ها اعمال نشده است. نتایج نیز به گونه‌ای گزارش شده است که به سیاست‌های عمومی یا افراد آسیب نرساند.

منابع

- احدی، رضا؛ محمدی، شهرام و طغرانگار، حسن (۱۴۰۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد به مواد مخدر صنعتی (مطالعه موردی: شهر زنجان). *پژوهش‌های حقوقی*، ۲۱ (۴۹)، ۳۱۵-۳۴۳.
- بابایی‌فرد، اسداله و شاهمیرزایی بیدگلی، محمد (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد در بین افراد متأهل شهر آران و بیدگل. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۴ (۲)، ۱۸۶-۱۵۵.
- باقری، معصومه؛ نبوی، عبدالحسین؛ ملتفت، حسین و نقی‌پور، فاطمه (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده اعتیاد در شهر اهواز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۱ (۲)، ۱۳۶-۱۱۹.
- دهقانی، حمید (۱۴۰۰). شیوع‌شناسی مصرف مواد مخدر و تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر سوءمصرف مواد دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان). *توسعه اجتماعی*، ۱۵ (۳)، ۱۷۶-۱۴۱.
- روشن‌پژوه، محسن؛ میرکاظمی؛ رکسانا، احترامی؛ مهرداد؛ نارنجی‌ها؛ هومان؛ ملک‌افضلی، حسین؛ صرامی، حمیدرضا؛ رضازاده، مجید؛ داشی، ابتسام و قازاریان، ماریت (۱۳۹۸). پیمایش خانوار در مورد شیوع مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در استان لرستان. *مجله علمی پژوهشی یافته*، ۲۱ (۲)، ۴۸-۵۸.
- سلیمانی، اسماعیل؛ کاظم‌زاده، نگین؛ حسینی، کنایون و اسکندرپور، بهروز (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر در گرایش زنان به اعتیاد در استان آذربایجان غربی و ارائه راهکار: مطالعه کمی - کیفی. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۵ (۶۲)، ۷-۴۴.
- صداقت، حسین؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم و عباسی اسفجیر، علی‌اصغر (۱۴۰۳). طراحی مدل بازپذیری اجتماعی مردان دارای جرائم مواد مخدر در زندان کرمان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۸ (۷۳)، ۱۸۰-۱۵۵.

عشایری، طاهای؛ سعادت، موسی و جهان‌پرور، طاهره (۱۴۰۳). مطالعه دلایل و عوامل مؤثر بر شیوع مصرف مواد مخدر (مورد مطالعه: سطح کشوری). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۵(۱)، ۲۱۴-۱۹۵.

غنی‌یگانه، محمد هادی و نورانی، نورالله (۱۴۰۳). فراتحلیل بررسی عوامل مؤثر بر اعتیاد در استان همدان طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰. *مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران*، ۳(۳)، ۳۷۶-۳۵۶.

گودرزی، سعید و اله‌دادی، نورالدین (۱۴۰۳). پیش‌بینی میزان گرایش به مصرف مواد مخدر براساس عوامل فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی در دانشجویان. *فصلنامه اعتیادپژوهی*، ۱۸(۷۲)، ۱۸۸-۱۶۹.

نامداریان، مهری و جانی پور رباطی، رامین (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین اعتیاد به مواد مخدر و ارتکاب جرم. *رفاه اجتماعی*، ۲۰(۷۷)، ۲۱۳-۱۸۱.

نیازی، محسن؛ حسینی‌زاده آرانی، سیدسعید و نقی‌پور ایوکی، سحر (۱۴۰۰). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با اعتیاد در خانواده‌های کاشانی. *فصلنامه علمی رهیافت پیشگیری از جرم*، ۴(۳)، ۹۰-۶۵.

References

- Aas, K. F. (2013). *Globalization and crime*. Sage.
- Asquith, N. L., Bartkowiak-Théron, I., & Roberts, K. A. (Eds.). (2017). *Policing encounters with vulnerability*. Springer.
- Bateson, K., McManus, M., & Johnson, G. (2020). Understanding the use, and misuse, of Adverse Childhood Experiences (ACEs) in trauma-informed policing. *The Police Journal*, 93(2), 131-145.
- Brown, K., & Wincup, E. (2020). Producing the vulnerable subject in English drug policy. *International Journal of Drug Policy*, 80, 102525.
- Connell, R. (2013). *Gender and power: Society, the person and sexual politics*. John Wiley & Sons.
- Elder, G. H. (1998). The life course as developmental theory. *Child Development*, 69(1), 1-12.
- Firmin, C. (2020). *Contextual safeguarding and child protection: Rewriting the rules*. Routledge.
- Gillespie-Smith, K., Brodie, Z., Collins, K., Deacon, K., & Goodall, K. (2020). *Moving towards trauma-informed policing: An exploration of police officer's attitudes and perceptions towards adverse childhood experiences (ACEs)*. Scottish Institute for Policing Research.
- Gurr, T. R. (2011). *Why men rebel* (Rev. ed.). Paradigm Publishers.
- Koram, K. (Ed.). (2019). *The war on drugs and the global colour line*. London: Pluto Press.
- Lin, N. (2002). *Social capital: A theory of social structure and action* (Vol. 19). Cambridge University Press.
- Melrose, M., & Pearce, J. (2013). *Critical perspectives on child sexual exploitation and related trafficking*. Palgrave Macmillan.
- Shiner, M., Carre, Z., Delsol, R., & Eastwood, N. (2018). *The colour of injustice: 'Race', drugs and law enforcement in England and Wales*. Stopwatch.
- Strobl, R. (2010). 'Becoming a Victim', in S. Giora Shoham, P. Knepper and M. Ket, eds., *International Handbook of Victimology*, 3-26. London: Routledge.